

## Representation of Verbal Mood in the Introduction of Shahnameh of Abu Mansouri: Comparison of Traditional Approach and Functional Theory on the Mood

Pooneh Abedin 

Ph.D. Student of Universal Linguistics,  
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mohammad Dabir-  
Moghaddam \* 

Professor of Linguistics, Allameh Tabataba'i  
University, Tehran, Iran

### Abstract

Mood in a general sense, is the way the speaker utters and expresses the meaning of the sentence and illustrates how the event has occurred from the speaker's perspective. There are tools for expressing Mood in all languages of the world, including verbal mood, modal verbs, modal adverbs, and adjectives. Among the means of expressing the mood, the verbal mood is of particular importance because in expressing the concept of a proposition the burden is on the main verb. In this paper, the representation of verbal mood in the introduction to *Abu Mansouri's Shahnameh* is studied within the comments and Segmentation of Khanlari (1353 Volume II) and Halliday's Functional Grammar theoretical foundations (Halliday and Matthiessen 2014). This study shows that, despite the distinction between the two approaches, the verbal mood is represented through the verbal stem, based on tense (past and present) and the elements used in verb inflection (pre and post-verb elements). The differences between the two approaches will also be expressed in terms of the representation of Mood in Persian, including incompatibility in the non-indicative mood (subjunctive and injunctive) subscale.

**Keywords:** Mood, Verbal mood, the introduction to *Abu Mansouri's Shahnameh*, Halliday's Functional Grammar.

---


- The present article is taken from the doctoral dissertation of Allameh Tabataba'i University in General Linguistics.

\* Corresponding Author: mdabirmoghaddam@gmail.com


**How to Cite:** Abedin, P., DabirMoghaddam, M. (2022). Representation of Verbal Mood in the Introduction of Shahnameh of Abu Mansouri: Comparison of Traditional Approach and Functional Theory on the Mood. *Language Science*, 9 (15), 65-94. Doi: 10.22054/ls.2020.49010.1295

## بازنمایی وجه فعلی در مقدمه شاهنامه ابومنصوری: مقایسه رویکردی سنتی و نظریه نقشگرا در باب وجه

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پونه عابدین 

استاد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد دبیرمقدم \*

### چکیده

وجه در مفهوم کلی، شیوه و نقطه نظر گوینده در بیان مفهوم جمله بوده و مبین چگونگی بیان وقوع یا عدم وقوع فعل و داشتن یا نداشتن حالتی از منظر وی است. در زبان‌های دنیا ابزارهایی برای بیان وجه وجود دارند که شامل وجه فعلی، فعل‌های وجهی، قیدها و صفت‌های وجهی هستند. در میان ابزارهای بیان وجه، وجه فعلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در بیان مفهوم گزاره بار عمده بر دوش فعل اصلی جمله است. در مقاله حاضر، چگونگی بازنمایی وجه فعلی در مقدمه شاهنامه ابومنصوری ذیل آرا و بخش‌بندی ناتل خانلری (۱۳۵۳) و مبانی نظری دستور نقشگرای هلیدی بررسی و مقایسه شد. این بررسی نشان داد که علیرغم تمایز در دو نگرش مذکور، وجه فعلی در هر دو رویکرد از طریق گروه فعلی (بن ماضی و مضارع و عناصر تصریفی منضم به فعل) بازنمایی می‌گردد. همچنین تفاوت‌های این دو رویکرد در مقوله بازنمایی وجه در زبان فارسی، از جمله عدم تطابق در زیرمجموعه وجه غیراخباری بیان شد.

کلیدواژه: وجه، وجه فعلی، مقدمه شاهنامه ابومنصوری، دستور نقشگرای هلیدی.

– مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی است.

\* نویسنده مسئول: mdabirmoghaddam@gmail.com

## ۱. مقدمه

در این جستار سعی بر آن است تا چگونگی بازنمایی وجه<sup>۱</sup> در مقدمه شاهنامه ابومنصوری از منظر رویکردی سنتی، یعنی آرا و بخش‌بندی ناتل خانلری (۱۳۵۳)، و رویکردی جدید، یعنی مبانی نظری دستور نقش‌گرایی هلیدی<sup>۲</sup> (Halliday & Matthiessen, 2014)، مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

شاهنامه ابومنصوری در سال ۳۴۶ هـ. ق. به دست ابومنصور معمری نگاشته شد که تنها مقدمه آن باقی مانده و از آن جهت که نخستین نثر فارسی به جا مانده در ایران پس از اسلام است - یعنی دوره‌ای که آن را فارسی نو می‌نامیم - بسیار حائز اهمیت است. به منظور انجام این پژوهش تمام صورت‌های فعلی موجود در این متن استخراج و فهرست شدند. سپس، برای هر صورت فعلی مواردی از جمله میزان تکرار در متن، ماده ماضی، ماده مضارع، اشکال دیگر فعل و همچنین حضور اجزاء پیشین و پسین تعیین شد. در گام بعدی، جمله‌های دارای افعال مرتبط با هر وجه انتخاب شدند و بر اساس دو رویکرد موصوف (سنتی و نقش‌گرایی هلیدی) مورد بررسی قرار گرفتند. در آخر، بر اساس تحلیل داده‌ها چگونگی بازنمایی وجه فعلی در متن مذکور بر اساس دو رویکرد موصوف و نکات اتفاق و افتراق آنها توصیف شد.

## ۲. پیشینه پژوهش

از میان مطالعات صورت‌پذیرفته در باب وجه در زبان فارسی می‌توان به آثار قریب، بهار، فروزانفر، همایی و یاسمی (۱۳۲۸)، ناتل خانلری (۱۳۵۳)، احمدی گیوی و انوری (۱۳۶۳)، مشکوه‌الدینی (۱۳۷۰)، عطایی لنگرودی<sup>۳</sup> (۱۹۹۲)، ابوالقاسمی (۱۳۷۳؛ ۱۳۸۰)، باطنی (۱۳۴۸)؛ (۱۳۷۴)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، محمودی بختیاری<sup>۴</sup> (۲۰۰۲)، گلفام (۱۳۸۵)، قطره (۱۳۸۶)، همایونفر (۱۳۹۲) و مفیدی (۱۳۹۵) اشاره کرد.

---

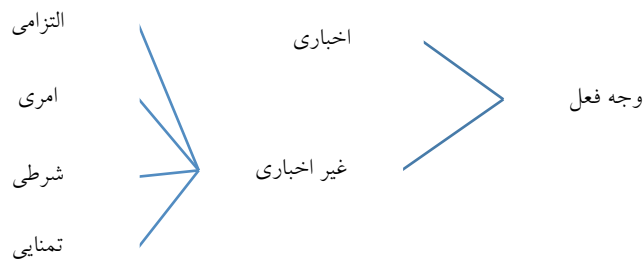
1. mood  
2. Halliday's Functional Grammar  
3. Atai Langroudi, A.  
4. Mahmoodi Bakhtiari, B.

همچنین از میان پژوهندگان خارجی، یسپرسن<sup>۱</sup> (۱۹۲۴)، فون رایت<sup>۲</sup> (۱۹۵۱)، لازار<sup>۳</sup> (۱۳۸۴)، الول ساتن<sup>۴</sup> (۱۹۶۵)، لمبتون<sup>۵</sup> (۱۹۶۷)، لاینز<sup>۶</sup> (۱۹۷۷)، ویندفور<sup>۷</sup> (۱۹۷۹)، پالم<sup>۸</sup> (۱۹۸۶؛ ۲۰۰۱)، میس<sup>۹</sup> (۲۰۰۳) هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) و ایجر<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۶) به مقوله وجه پرداخته‌اند. از میان این پژوهندگان خارجی، لازار، الول ساتن، لمبتون، ویندفور، عطایی لنگرودی و میس پژوهش‌های خود در باب وجه را بر روی زبان فارسی انجام داده‌اند. از آنجا که پژوهش‌های فوق‌الذکر بر روی زبان فارسی بیشتر با رویکرد سنتی صورت پذیرفته‌اند، ضروری به نظر می‌رسد وجه در زبان فارسی از منظر رویکردی نوین، نظیر نقشگرایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### ۳. مبانی نظری

در بخش تحلیل داده‌های این پژوهش، ذیل تقسیم‌بندی ناتل خانلری (۱۳۵۳) وجه فعلی در سطح نخست به دو بخش اخباری و غیراخباری تقسیم می‌گردد. وجه غیراخباری خود شامل وجه التزامی، وجه شرطی، وجه امری و وجه تمنایی می‌شود.

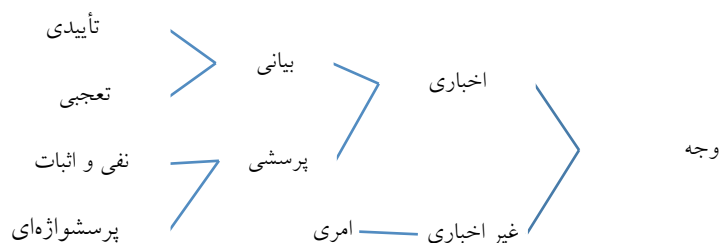
شکل ۱. تقسیم‌بندی وجه از منظر ناتل خانلری (۱۳۵۳)



1. Jespersen, O.
2. von Wright, E. H.
3. Lazard, G.
4. Elwell-Sutton, L.P
5. Lambton, A.K.S.
6. Lyons, J.
7. Windfuhr, G.I.
8. Palmer, F.
9. Mace, J.
10. Aijmer, K.

این تقسیم‌بندی وجه فعلی بیشتر مبتنی بر زمان است. برای توصیف وجه اخباری، انواع صیغه‌های ماضی اخباری (تام، استمراری، پیاپی، نقلی، بعید و ابعاد)، همچنین انواع صیغه‌های مضارع و آینده اخباری مدنظر قرار گرفته و اشکال مختلف ظهور وجه را ذیل هر زمان با ذکر مثال‌های موجود در متن انتخابی توصیف نموده و حضور یا عدم حضور و امکان همایی انواع منضمات فعلی - یعنی اجزاء پیشین و پسین فعل - را بررسی خواهیم کرد. این اجزاء شامل جزء پیشین [be-] (و اشکال مختلف آن بر حسب شرایط آوایی) در کاربردهای متفاوت آن (بیان امر، التزام یا تأیید و تأکید)، علامت استمرار [mi-,hami-]، نشانه‌های نفی و نهی [na-] و [ma-] و جزء پسین [i-] می‌شوند. درخصوص وجوه غیراخباری (امری، التزامی، شرطی و تمنایی) نیز به همین شیوه عمل گردید. شایان ذکر است که فصل ممیز وجه غیراخباری با وجه اخباری از منظر ناتل خانلری عدم یقین در وقوع فعل است. از منظر هلیدی و متیسن (2014)، وجه شامل دو بخش اصلی اخباری و غیراخباری است. وجه اخباری خود شامل دو بخش بیانی و پرسشی است. وجه بیانی نیز خود به دو بخش تعجبی و تأییدی و وجه پرسشی نیز به دو بخش نفی - اثبات و پرسشواژه‌ای تقسیم می‌گردد. وجه غیراخباری نیز شامل وجه امری است که این وجه از جمله وجوه اصلی و مبین پیشنهاد<sup>۱</sup> و درخواست<sup>۲</sup> یا امر<sup>۳</sup> است.

شکل ۲. تقسیم‌بندی وجه از منظر هلیدی



1. suggestion
2. demand
3. command

به لحاظ نقشی، بندها به دو نوع کلی گزاره<sup>۱</sup> و پیشنهاد<sup>۲</sup> تقسیم می گردند. در وجه اخباری بندها از نوع گزاره و در وجه غیر اخباری از نوع پیشنهاد هستند.

هلیدی بر این باور است که در هر بند بازنمایی عمده وجه از طریق عناصری وجهی صورت می پذیرد که این عناصر شامل دو بخش نهاد و عملگر زماندار<sup>۳</sup> می شوند. نهاد گروه اسمی است و عملگر زماندار خود بخشی از گروه فعلی است. در واقع، نهاد و عملگر زماندار به شکل بسیار نزدیکی با یکدیگر مرتبط شده و وجه را می سازند. مابقی بند را مانده<sup>۴</sup> می نامیم. مانده نیز ذیل ساختار وجه قرار می گیرد و شامل سه نوع از عناصر نقشی می شود: محمول<sup>۵</sup>، متمم<sup>۶</sup> و افزوده<sup>۷</sup>. افزوده خود بر دو نوع است: افزوده وجهی<sup>۸</sup> و افزوده ربطی<sup>۹</sup>. افزوده های وجهی در داخل بند و درون ساختار مانده قرار می گیرند، اما افزوده های ربطی (ربطی، علی، شرطی و...) خارج از ساختار مانده و وجه ظاهر می گردند و وظیفه دارند تا بین دو بخش (دو بند) ارتباط معنایی - منطقی برقرار نمایند.

مباحث دیگری که وفق آرای هلیدی در بازنمایی وجه مد نظر قرار می گیرند وجهیت<sup>۱۰</sup> و قطبیت<sup>۱۱</sup> هستند. قطبیت، به عنوان تقابل بین مثبت و منفی، گزاره ها را به «اثباتی و انکاری» و پیشنهادها را به «تجویزی و منعی» تقسیم می کند. وجهیت به عنوان قضاوت گوینده یا درخواست قضاوت از شنونده، در وضعیت آنچه که گفته می شود، تلقی می گردد. قطبیت و وجهیت هر دو از طریق عناصر وجهی شناخته می شوند، همچنین از طریق عناصر زماندار یا از طریق یک افزوده مجزای وجهی.

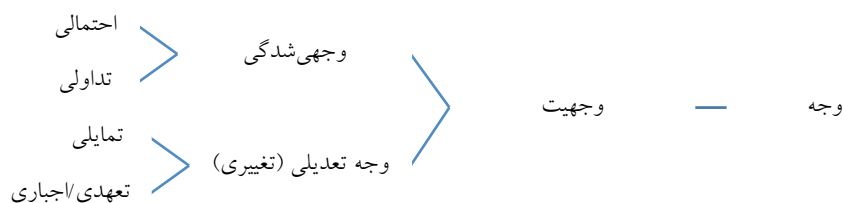
قطبیت انتخابی است مابین «بله» و «خیر»، اما بین این دو قطب مثبت و منفی، درجاتی میانی وجود دارند که به عنوان وجهیت شناخته می شوند. آنچه نظام وجهیت انجام می دهد، تفسیر نواحی غیر قطعی مابین «بله» و «خیر» است. لازم به ذکر است که بیش از یک مسیر بین

- 
1. proposition
  2. proposal
  3. finite operator
  4. residue
  5. predicator
  6. complement
  7. adjunct
  8. modal adjunct
  9. conjunctive adjunct
  10. modality
  11. polarity

این دو قرار دارد: الف) یک مسیر برای گزاره‌ها<sup>۱</sup> و ب) یک مسیر برای پیشنهادها<sup>۲</sup>. فضای بین «بله» و «خیر» ویژگی‌های متفاوتی برای گزاره‌ها و پیشنهادها دارد: الف) گزاره‌ها: برحسب قطبیت مثبت و منفی می‌توانند اثباتی یا انکاری باشند. همچنین، دو نوع از امکانات میانی وجود دارد: ۱. درجاتی از احتمال: (قطعی، احتمالی و امکانی) و ۲. درجاتی از تداول: (همیشه، معمولاً و گاهی) که تحت‌عنوان وجهیت احتمالی - تداولی<sup>۳</sup> آورده می‌شوند.

ب) پیشنهادها: در پیشنهاد مفهوم قطب مثبت و منفی تجویزی و منعی است. در این موقعیت، بسته به نقش گفتار که آیا امری است یا پیشنهاد، دو امکان میانی نیز وجود دارد: ۱. در امر نقاط میانی درجاتی از اجبار را ارائه می‌کنند: امر کردن، درخواست کردن و اجازه دادن و ۲. در پیشنهاد درجاتی از تمایل بیان می‌شود: تمایل داشتن، اشتیاق داشتن و مصمم بودن. این مقیاس‌های تمایل و اجبار ذیل وجهیت تمایلی - اجباری<sup>۴</sup> قرار می‌گیرند. در شکل (۳) بخش‌بندی وجهیت ارائه می‌گردد:

شکل (۳) تقسیم‌بندی وجهیت



#### ۴. یافته‌ها

در این جستار افعال ساده، پیشوندی و در برخی موارد افعال مرکب به‌لحاظ شیوه بازنمایی وجه بر روی محور زمان، از طریق بن فعلی و منضمات تصریفی از منظر تقسیم‌بندی ناتل خانلری و از منظر نقشگرایی هلیدی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است که در

- 
1. propositions
  2. proposals
  3. modalization
  4. modulation

تحلیل‌های پیش‌رو، تقطیع نقشی بازنمایی وجه در چارچوب هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) صورت پذیرفته است.

#### ۴-۱. وجه اخباری در ماضی

وجه اخباری در ماضی تام از طریق بن ماضی و شناسه نمایش داده می‌شود.

(۱) مأمون پسر هارون الرشید منش پادشاهان و همت مهتران داشت (معمری، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

در این مثال، فعل برای بیان وقوع حتمی فعلی و یا داشتن حالتی به کار رفته است. از منظر هلیدی، وجه از طریق گروه فعلی بازنمایی می‌شود، زیرا هم شامل عنصر زماندار است و هم به لحاظ مطابقه (شخص) نهاد را در خود دارد. در مثال فوق، بند از نوع گزاره با وجه بیانی / تأییدی، قطبیت مثبت و از نوع اثباتی است. وجهیت مبتنی بر گروه فعلی نیز قطعی است.

جدول ۱. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱

مأمون پسر هارون الرشید	منش پادشاهان و همت مهتران	داشت
نهاد	متمم	محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
مانده (متمم - محمول)		
وجه (نهاد)		وجه (عنصر زماندار - شخص)

گاه ماضی ساده اخباری با جزء «پیشین ب» آمده است. ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۰۴) بیان می‌دارد که نقشهای مطرح شده برای این عنصر از سوی پژوهشگران (نقش تأکیدی، تزینی و استمراری) به دلیل نبود شواهد کافی قابل پذیرش نیستند و نقش این عنصر در جمله نامشخص است:

(۲) دستور خویش ابو منصور المعمری را بفرمود (معمری، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

باید در نظر داشت که این عنصر در وهله نخست مبین نمود تام است، یعنی رویدادی به طور کامل وقوع پیدا کرده و به اتمام رسیده است؛ بنابراین از آن استیفاد قطعیت نیز می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد این عنصر، ذیل مقوله وجه، برای بیان تأیید و تأکید بر وقوع حتمی



فعل به کار رفته است. از منظر هلیدی، در این جمله گزاره با قطبیت مثبت از نوع اثباتی، وجه بیانی/تأییدی و وجهیت قطعی است.

جدول ۲. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲

بفرمود	دستور خویش ابومنصور المعمری را	-
جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم	نهاد (محدوف)
مانده (متمم - محمول)		
وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص)		وجه (نهاد)

جزء پیشین نفی «ند» بر سر فعل ساده می آید و مفهوم آن را منفی می کند:

(۳) از سالاران ایران هیچکس آن آیین نیاورد (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

از منظر هلیدی، در مثال فوق قطبیت منفی و گزاره از نوع انکاری است. وجه بیانی/تأییدی و وجهیت نیز قطعی است.

جدول ۳. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۳

نیاورد	آن آیین	هیچکس	از سالاران ایران
پیشوند نفی - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم	نهاد	افزوده
مانده (متمم - محمول)			مانده (افزوده)
وجه (پیشوند نفی - عنصر زماندار - شخص)		وجه (نهاد)	

پیشوندهای فعلی هم ممکن است بر سر فعل ماضی ساده آمده و افعال پیشوندی (با تغییر مفهوم فعل اصلی) را ساخته اند.

(۴) هر کسی دست بدو اندرز زدند (معمری، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

(۵) چون همان سنگ کجا آفریدون بیای بازداشت (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

(۶) کنارنگ با ایشان برآویخت (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

در مثال (۴) «دست اندر زدن» به معنای «دست یافتن» و «دست پیدا کردن»، در مثال (۵) «به پای بازداشتن» به معنی برپای داشتن و برافراشتن و در مثال (۶) «برآویختن» به معنی درگیر شدن و جنگیدن (تن به تن) است. به نظر می‌رسد این پیشوندها تنها باعث تغییر معنایی فعل می‌شوند، لیکن در تعیین وجه فعلی به لحاظ دستوری نقشی را ایفا نمی‌نمایند. طبق نظر هلیدی، در مثال‌های فوق گزاره‌ها همه با قطبیت مثبت و اثباتی، وجه جمله‌ها بیانی/تأییدی و وجهیت نیز از نوع قطعی است.

#### جدول ۴. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۶

کنارنگ	با ایشان	برآویخت
نهاد	متمم	پیشوند فعلی - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
		مانده (متمم - پیشوند فعلی - محمول)
وجه (نهاد)		وجه (عنصر زماندار - شخص)

لازم به ذکر است که به باور ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۰۶) هیچگاه جزء صرفی «ب» بر سر صیغه‌های ماضی تام از فعل‌های پیشوندی واقع نمی‌شود. در بررسی این متن نیز چنین نمونه‌ای مشاهده نگردید.

وجه اخباری در ماضی استمراری بیانگر وقوع عملی یا داشتن حالتی در زمان گذشته است که برای مدتی ادامه داشته و یا در طول زمانی در گذشته تکرار می‌شده است. نشانه آن حضور «همی-می» بر سر فعل است.

(۷) خسرو از دور همی‌نگریست (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

در این مثال وقوع فعل «همی‌نگریست» برای مدتی در زمان گذشته ادامه داشته و به شکل مستمر در جریان بوده است. از منظر هلیدی وجه این گونه جملات بیانی/تأییدی گزاره با قطبیت مثبت از نوع اثباتی و با وجهیت قطعی است. چنانچه وقوع امری در گذشته را برای مدتی مستمر به مثابه عادت در نظر بگیریم - مانند آنچه در جمله (۷) دیده می‌شود - می‌توان گفت حضور جزء پیشین «همی-می» در جملات مشابه بیانگر وجهیت عادتی نیز می‌تواند باشد.

جدول ۵. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۷

خسرو	از دور	همی نگریت
نهاد	افزوده	جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
		مانده (افزوده - محمول)
وجه (نهاد)		وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص)

تصور می‌شود تفاوت بین دو گانه احتمالی - تداولی مبتنی بر اطلاعات واژگانی و معنایی باشد.

گاهی جزء پیشین «همی-می-» به همراه جزء صرفی «ب» با فعل ماضی ساده در وجه اخباری همراه شده است. از منظر ناتل خانلری، «همی-می-» در این حالت اغلب کاربرد مستقل قیدی دارد و جزء صرفی فعل نیست (ناتل خانلری، ۱۳۵۳: ۲۲۴):

(۸) من با دبیران او بودمی و کار می‌براندمی (بیهقی، ۱۳۲۴: ۲۴۶).

این در حالی است که در برخی از مثال‌های ارائه شده از سوی ناتل خانلری، نظیر مثال فوق، به نظر می‌رسد این عنصر همچنان در مفهوم استمرار است و جزء صرفی فعل محسوب می‌شود. جزء پیشین «همی-می-» در افعال پیشوندی قبل یا بعد از پیشوند و پیشوند نفی در ماضی استمراری قبل یا بعد از «همی-می-» آمده است. در فعل‌های پیشوندی حرف نفی بر سر «می-» و میان پیشوند و فعل قرار می‌گیرد، اما گاهی در متون کهن «می-» پیش از پیشوند فعلی و حرف نفی پیش از ماده فعل واقع می‌شود (ناتل خانلری، ۱۳۵۳: ۲۲۹).

از منظر نقش‌گرایی، در موارد بالا گزاره از نوع انکاری، وجه از نوع بیانی/تأییدی با وجهیت قطعی است. در مقدمه شاهنامه/بومنصوری نمونه‌ای برای موارد فوق مشاهده نشد. به باور ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۳۱)، در دوره نخست فارسی دری فعل‌های «بودن» و «داشتن» مانند سایر صورتهای فعلی در ماضی استمراری صرف می‌شده‌اند، اما کاربرد این ساخت به مرور کاهش یافته و در فارسی امروز اثری از آن دیده نمی‌شود:

(۹) رقبه را نیکو همی‌داشت (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

از نظر هیلیدی، در مثال فوق وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره با قطیبت مثبت، اثباتی و با وجهیت قطعی است.

جدول ۶. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۹

نیکو همی داشت	رقبه را	-
عنصر غیر فعلی فعل مرکب - جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم	نهاد (محدوف)
مانده (متمم - محمول/ فعل مرکب)		
وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص)		وجه (نهاد)

در متن مورد بررسی نمونه‌ای از صورت ماضی استمراری فعل «بودن» یافت نگردید. طبق نظر ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۳۵)، در فارسی نو ماضی استمراری گاهی فعلی را بیان می‌کرده که در زمان گذشته پیاپی یا به‌طور دائم و به‌حکم عادت انجام می‌گرفته و از این جهت آن را ماضی پیاپی نامیده است. برای بیان این فعل از افزودن جزء پسین «-ی» به آخر ماضی تام استفاده می‌شده است و آن را ماضی پیاپی می‌خواندند. کاربرد این صیغه در انواع ساختمان فعل (ساده، پیشوندی، مرکب و عبارت فعلی) یکسان است.

(۱۰) کز پادشاهی ایشان این کشور بسیار تهی ماندی و بیگانگان اندر آمدندی (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

در این مثال، هم در فعل (مرکب) و هم در فعل پیشوندی، حضور پسوند «-ی» مبین رخدادی است که در گذشته بارها تکرار شده است. از منظر هلیدی، وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره از نوع اثباتی با وجهیت تداولی است.

جدول ۷. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۰

و	تهی ماندی	بسیار	این کشور	کز پادشاهی ایشان
افزوده	عنصر غیر فعلی فعل مرکب - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه) - جزء پسین	افزوده	نهاد	متمم
	مانده (افزوده - محمول/ فعل مرکب)			مانده (متمم)
افزوده ربطی	وجه (عنصر زماندار - شخص - جزء پسین)		وجه (نهاد)	
	اندر آمدندی			بیگانگان
	پیشوند فعلی - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه) - جزء پسین			نهاد
	مانده (پیشوند فعلی - محمول)			
	وجه (عنصر زماندار - شخص - جزء پسین)			وجه (نهاد)

طبق نظر ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۴۱)، برخی از فعل‌ها نظیر «خواندن» و «گفتن» اگر در معنای «اطلاق کردن» و «نامیدن» به کار روند، متضمن مفهوم کلی عادت و تکرار هستند و به همین دلیل در دوره نخست فارسی نو با ساخت ماضی پیاپی به کار می‌رفته‌اند: (۱۱) شاهان او را ایرانشهر خواندندی (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

جدول ۸. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۱

شاهان	او را	ایرانشهر	خواندندی
نهاد	متمم	متمم (تمیز)	محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه) - جزء پسین
مانده (متمم - افزوده - محمول)			
وجه (نهاد)			وجه (عنصر زماندار - شخص - جزء پسین)

مطابق با آرای هلیدی، وجه این جمله از نوع بیانی/تأییدی و گزاره با قطبیت مثبت و اثباتی، مبین عادت در انجام کاری در زمان گذشته و وجهیت آن تداولی/عاداتی است. افعال «بودن» و «داشتن» + «-ی»: این افعال نیز بر اساس مفهوم خود که بیانگر نوعی استمرار است، در دوره نخست فارسی نو همراه با این پسوند به کار می‌رفتند که در گذر زمان کاربرد خود را از دست داده و ماضی ساده جایگزین آن شده است. «همی/-می» + «-ی»: گاهی برای بیان دو مفهوم استمرار و تکرار از هر دو جزء «همی/-می» و «-ی» در پیش و پس از فعل استفاده می‌شده است، اما در متن مورد بررسی نمونه‌ای برای ساخت‌های فوق دیده نشد. از نظر ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۴۴) در فعل‌های ساده جمع جزء «ب» + «-ی» بسیار دیده می‌شوند. همچنین، در مثال زیر حضور «-ی» حائز تأکید بر وقوع رویداد به شکل مکرر است. از نظر هلیدی، وجه این گونه جمله‌ها از نوع بیانی/تأییدی و گزاره‌ها برحسب قطبیت از نوع اثباتی - انکاری با وجهیت قطعی هستند:

(۱۲) بیگانگان اندر آمدندی و بگرفتندی (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

جدول ۹. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۲

بیگانگان (...)	-	بگرفتندی
نهاد	متمم (محذوف به قرینه)	جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه) - جزء پسین
		مانده (متمم - محمول)
وجه (نهاد)		وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص - جزء پسین)

وجه اخباری ماضی نقلی از صفت مفعولی گذشته همراه با شناسه‌های فعل بودن در زمان حال ساخته می‌شده است:

(۱۳) تا جهان بود مردم گرد دانش گشته‌اند (معمری، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

جدول ۱۰. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۳

مردم	گرد دانش	گشته‌اند
نهاد	متمم	محمول - عنصر زماندار - شناسه فعل بودن - شخص (مطابقه)
		مانده (متمم - محمول)
وجه (نهاد)		وجه (عنصر زماندار - شناسه فعل بودن - شخص)

از منظر هلیدی، در ساخت فوق وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره با قطبیت مثبت از نوع اثباتی با وجهیت قطعی است. مثال (۱۳) بیانگر امری همیشگی است، پس وجهیت تداولی است.

گاه جزء «ب» پیشوند فعلی است که به ماضی نقلی افزوده شده و فعل ماضی نقلی پیشوندی ساخته یا در مقام تأکید بر سر فعل آمده است. هیچ کدام از دو مورد مذکور در این متن یافت نشدند.

پیشوند نفی «ن» به ماضی نقلی افزوده شده است:

(۱۴) از کسری انوشیروان چیزی مانده است که از هیچ پادشاه نمانده است (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

جدول ۱۱. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۴

...	از هیچ پادشاه	نمانده است
نهاد	متمم	پیشوند نفی - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
		مانده (افزوده - محمول)
وجه (نهاد)		وجه (پیشوند نفی - عنصر زماندار - شخص)

از منظر هلیدی، در این مثال وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره انکاری با وجهیت قطعی است. گاه جزء «همی-می-» مفهوم استمرار را به ماضی نقلی اضافه کرده است. ماضی نقلی ممکن است با پیشوند همراه شود، اما در این متن نمونه‌ای از ساخت‌های فوق دیده نشد. وجه اخباری در ماضی پیشین یا بعید از صفت مفعولی + فعل معین «بودن» + شناسه‌های پنجگانه ساخته شده است. این ساخت برای بیان وقوع رویدادی در گذشته و قبل از رویدادی دیگر به کار می‌رود. همچنین، برای بازنمایی فعلی که در زمان گذشته به تمامی انجام پذیرفته و اتمام آن قبل از وقوع رویداد بعدی قطعی به نظر می‌رسد:

(۱۵) پهلوانی کشورها و مرزبانی و بخشش هفت کشور او کرده بود (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

از منظر هلیدی، در این مثال وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره از نوع اثباتی با وجهیت قطعی است.

جدول ۱۲. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۵

پهلوانی کشورها و مرزبانی و بخشش هفت کشور	او	کرده بود
متمم	نهاد	محمول - فعل معین بودن - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
مانده		مانده (محمول)
	وجه (نهاد)	وجه (بودن - عنصر زماندار - شخص)

وجه اخباری در ماضی نقلی پیشین (بعد) از صفت مفعولی + ماضی نقلی «بودن» ساخته می‌شده و برای بیان عملی به کار می‌رفته است که پیش از رویدادی دیگر در زمان گذشته

وقوع یافته و اثر آن تا زمان رویداد دوم باقی است. ناتل خانلری (۱۳۵۳: ۲۶۹) مثال زیر را برای این صیغه ارائه می‌دهد:

(۱۶) کار او با وی می‌رفت و مدارا داشته بوده است با این قوم (بیهقی، ۱۳۲۴: ۵۵۳).

به باور وی کاربرد این ساخت در متون اندک است. به نظر این نگارنده، شاید دلیل این امر آن باشد که این صیغه موقعیت خاصی را در زمان تعریف می‌کند که پیچیده است و معمولاً گویشوران از به کار بردن صورت‌های زبانی پیچیده - چه به لحاظ مفهوم و چه به لحاظ ساخت - اجتناب می‌کنند. در این متن نیز نمونه‌ای از ساخت موصوف دیده نشد. از منظر هلیدی، در جملاتی با این ساخت وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره انکاری/اثباتی با وجهیت قطعی است.

#### ۲-۴. وجه اخباری در مضارع

وجه اخباری در مضارع ساده از ماده مضارع و شناسه‌ها تشکیل شده و فاقد منضمات دیگر است:

(۱۷) از کار و رفتار و از نیک و بد و از کم و بیش، ایشان دانند (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

طبق آرای هلیدی، در مثال فوق وجه از نوع بیانی/تأییدی، گزاره‌ها با قطیبت مثبت از نوع اثباتی و وجهیت نیز از نوع قطعی است.

جدول ۱۳. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۷

از کار و رفتار و از نیک و بد و از کم و بیش	ایشان	دانند
متمم	نهاد	محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
مانده (متمم - محمول)		مانده (محمول)
	وجه (نهاد)	وجه (عنصر زماندار - شخص)

گاهی این صورت فعلی هم در افعال ساده و هم در افعال پیشوندی با جزء پیشین «ب» همراه شده است:



(۱۸) خواستاری کردن این همه را بدین نامه اندر، بیابند (معمری، ۱۳۰:۱۳۸۶).

از منظر گوینده در وقوع گزاره فوق شکی نیست. این جزء برای تأکید وقوع فعل افزوده می‌شود. از منظر نقشگرایی، وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره با قطبیت مثبت از نوع اثباتی با وجهیت قطعی است.

جدول ۱۴. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۸

بیابند	بدین نامه اندر	خواستاری کردن این همه را	-
جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	افزوده	متمم	نهاد (محدوف)
مانده (متمم - افزوده - محمول)			
وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص)			وجه (نهاد)

جزء صرفی «همی-می» به فعل مفاهیم استمرار، تکرار و عادت را می‌افزاید (مضارع اخباری استمراری):

(۱۹) ترسایان از انجیل عیسی همی گویند (معمری، ۱۳۴:۱۳۸۶).

طبق نظر هلیدی، وجه از نوع بیانی/تأییدی و گزاره با قطبیت مثبت از نوع اثباتی است. گروه فعلی متضمن مفهوم «هماره و پیوسته» بوده، بنابراین وجهیت گزاره تداولی/عاداتی است.

جدول ۵. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۱۹

همی گویند	از انجیل عیسی	ترسایان
جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم	نهاد
مانده (متمم + محمول)		
وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص)		وجه (نهاد)

همراهی جزء صرفی «همی- / می-» و «ب» با فعل مضارع اخباری، به نظر می‌رسد مفهوم کلی شامل استمرار و تأکید همزمان خواهد بود. در این متن نمونه‌ای از این ساخت یافت نشد.

معمولاً پیشوند نفی در آغاز فعل مضارع ظاهر می‌گردد:

(۲۰) ندانند که چند گذشت از روزگار (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

وجه جمله فوق بیانی/تأییدی، گزاره با قطبیت منفی از نوع انکاری و وجهیت قطعی است.

جدول ۱۶. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۰

-	ندانند	که چند گذشت از روزگار
نهاد (محذوف)	پیشوند نفی - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم
	مانده (متمم - محمول)	
	وجه (نهاد - پیشوند نفی - عنصر زماندار - شخص)	

پیشوند نفی در مضارع استمراری قبل یا بعد از «همی- / می-» آمده و گاهی هم با جزء «ب» آمده است. در این متن نمونه‌ای برای این ساخت‌ها یافت نشد.

در دوره نخست فارسی دری در بسیاری از متون به‌جای صورت‌های معمول فعل بودن (ام، ای، است و...)، از صورتهای (بوم، بوی، بُود و...) و بیش از همه از «سوم شخص مفرد» استفاده شده است. همچنین، در برخی از متون به‌جای صورت‌های معمول (هستم، هستی و...) از صورتهای «باشم، باشی و...» استفاده می‌شده که امروزه این صورت تنها برای بیان وجه التزامی به کار می‌رود (ناتل خانلری، ۱۳۵۳: ۲۶۹):

(۲۱) هر جا که مردم بُود از مهتر چاره نبود (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

مثال فوق متضمن مفهوم قواعدی کلی است که در زمان‌های حال و آینده مصداق داشته و جاری خواهد بود. طبق نظر هلیدی، وجه این گونه جمله‌ها از نوع بیانی/تأییدی، گزاره با قطبیت منفی از نوع انکاری و با وجهیت قطعی است.

جدول ۱۷. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۱

هر جا که مردم بُود	از مهتر	چاره	نبود
افزوده	متمم	نهاد	جزء پیشین - محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
مانده (افزوده + متمم)			مانده (محمول)
		وجه (نهاد)	وجه (جزء پیشین - عنصر زماندار - شخص)

آینده اخباری در فارسی دری دوره نخست، هم برای بیان قصد انجام کاری و هم برای بازنمایی وقوع فعل در زمان آینده ساختی مشابه به کار می‌رفته است. این صورت فعلی از مضارع فعل «خواستن» با صیغه مصدر تام یا مصدر مرخم ساخته می‌شود:

(۲۲) ما یاد خواهیم کردن (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

در این زمان - وجه گوینده یا از انجام حتمی کاری در آینده خبر می‌دهد یا خبر از قصد انجام کار؛ و اگرچه صحت و سقم وقوع فعل در آینده قابل ارزیابی نیست، مفهوم قصد حتمی انجام کار یا وقوع حتمی فعل از سوی گوینده مطرح است. از منظر نقشگرایی نیز وجه این جمله از نوع بیانی/تأییدی، گزاره با قطیبت مثبت از نوع اثباتی و دارای وجهیت قطعی است.

جدول ۱۸. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۲

ما	-	یاد خواهیم کردن
نهاد	متمم (محذوف)	عنصر غیر فعلی فعل مرکب - نشانه آینده (مضارع فعل خواستن) - عنصر زماندار - شخص (مطابقه) - محمول (به صورت مصدری)
		مانده (متمم - عنصر غیر فعلی - محمول)
	وجه (نهاد)	وجه (نشانه آینده - عنصر زماندار - شخص)

### ۳-۴. وجه غیر اخباری

این بخش مشتمل بر وجه امری، التزامی، شرطی و تمنایی است.

#### ۳-۴.۱. وجه امری

این وجه به واسطه ساختار امری و به جهت مفهوم غیر محقق خود (درخواستی که انجام آن حتمی نیست) فاقد قطعیت بوده و ذیل وجه غیر اخباری قرار می گیرد. در وجه امری به جای گزاره با نوعی از پیشنهاد (امر) مواجهیم که فارغ از میزان قاطعیت ما در طرح آن، امکان محقق نشدنش وجود دارد. این وجه گاهی بدون جزء پیشین و بدون نشانه به کار می رود:

(۲۳) گفت نشابور مرا ده (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

جدول ۱۹. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۳

ده	مرا	نشابور	-
محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم (مفعول غیر صریح)	متمم (مفعول صریح)	نهاد (محدوف)
مانده (متمم - متمم - محمول)			
وجه (عنصر زماندار - شخص)			وجه (نهاد)

طبق آرای هلیدی، در این جمله پیشنهاد از نوع امری / تجویزی و وجهیت از نوع اجباری است.

گاهی فعل امر با جزء پیشین «ب» ظاهر می شده و جزء پیشین «همی- / می-» نیز بدان می پیوسته است. تفاوت وجه امری افعال پیشوندی با افعال ساده در آن است که جزء پیشین «ب» که نشانه امر است بر سر این افعال ظاهر نمی گردد، مگر آنکه بین پیشوند فعلی و ماده فعل فاصله باشد. در متن مورد بررسی نمونه‌ای برای ساخت‌های فوق یافت نشد.

در دوره نخست فارسی نو نشانه نهی در همه جا «ما» است و این نشانه در فعل‌های ساده و پیشوندی همیشه بر سر ماده فعل می آید. به ندرت نشانه نهی نیز با جزء پیشین به کار می رود. امر منفی بیانگر نوعی پیشنهاد است که قطیبت آن منفی و از نوع منعی است. در متن مورد بررسی نمونه‌ای از این مورد یافت نشد.

## ۲-۳-۴. وجه التزامی

فعلی که در وجه التزامی می‌آید وقوعش منوط به همراهی و وقوع فعلی دیگر است. به همین جهت، فعل با وجه التزامی معمولاً در بند پیرو قرار می‌گیرد و فعل ملازم آن در جمله پایه می‌آید. ناتل خانلری در خصوص وجه التزامی توضیح می‌دهد که این صورت به جهت بیان یکی از این مفاهیم به کار می‌رود: بیان رخدادی که پیش‌بینی، قصد، انتظار یا آرزوی وقوع آن در زمان گذشته وجود داشته یا بیان رخدادی که پیش‌بینی، قصد یا آرزوی وقوع آن در زمان آینده وجود داشته است (ناتل خانلری، ۱۳۵۳: ۳۰۸).

گاهی فعل فراکرد پایه در یکی از صیغه‌های ماضی (تام، استمراری، پیاپی و نقلی) است و فعل فراکرد پیرو ماضی با پسوند «ی» (با یا بدون جزء پیشین «ب» بر سر فعل):

(۲۴) هر باری که اسب افگندی بسیار کس تبه کردی (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

جدول ۲۰. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۴

هر باری	که	-	اسب	افگندی
افزوده	افزوده ربطی	نهاد (محدوف)	متمم	محمول - جزء پسین - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
مانده (افزوده)				مانده (متمم - محمول)
		وجه (نهاد)		وجه (جزء پسین - عنصر زماندار - شخص)
-		بسیار کس		تبه کردی
نهاد (محدوف)		متمم		عنصر غیر فعلی فعل مرکب - محمول - جزء پسین - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
				مانده (متمم - عنصر غیر فعلی - محمول)
	وجه (نهاد)			وجه (جزء پسین - عنصر زماندار - شخص)

در این مثال اگرچه از منظر ناتل خانلری صورت ساختاری التزامی است، اما به نظر می‌رسد طبق نظر هلیدی گزاره مبین وقوع قطعی فعل در زمان گذشته بوده، وجه از نوع اخباری است و بندها از نوع گزاره و بیانی/تأییدی هستند با قطبیت اثباتی. لازم به ذکر است که مثال‌هایی از این دست، با توجه به حضور پسوند «ی» به لحاظ وجهیت، از نوع تداولی هستند؛

گاه فعل فراکرد پایه در یکی از صیغه‌های ماضی (تام، استمراری، پیاپی و نقلی) است و فعل فراکرد پیرو ماضی (با یا بدون جزء پیشین «ب» بر سر فعل):

(۲۵) از سالاران ایران هیچکس آن آیین نیاورد که او آورد (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

طبق نظر هلیدی، گزاره مبین وقوع قطعی فعل در گذشته و وجه از نوع اخباری است. وجه التزامی در فراکرد پیرو به یکی از صورتهای مضارع اخباری (بدون تفاوت با وجه اخباری) با جزء پیشین «ب» یا بدون آن بر سر فعل ساده می‌آید:

(۲۶) ما یاد کنیم گفتار هر گروهی تا دانسته شود (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

(۲۷) به هر کسی دادند تا از او فایده گیرد (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

در مثال‌های فوق، فعل بند پایه گاه ماضی و گاه مضارع است، لیکن به جهت آنکه فعل بند پیرو صورتی از مضارع است مبین مفهوم زمانی حال - آینده است و در تمامی مثال‌های فوق توقع، انتظار و آرزوی وقوع فعل بند پیرو در زمان حال - آینده می‌رود. از منظر نقشگرایی هلیدی، در این وجه - زمان بندها از نوع پیشنهاد/درخواست هستند و به لحاظ قطیبت نیز دارای دو بخش تجویزی - منعی هستند. از مثال‌های فوق می‌توان مفهوم تمایل را استنباط کرد، بنابراین وجهیت از نوع تمایلی است.

جدول ۲۱. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۷

تا	دادند	به هر کسی	-	-
افزوده علی	محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	افزوده	متمم	نهاد (محدوف)
	مانده (افزوده - محمول)			
	وجه (عنصر زماندار - شخص)			وجه (نهاد)
گیرد	فایده	از او	-	
محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم	افزوده	نهاد (افزوده در جمله پایه)	
	مانده (افزوده - متمم - محمول)			
وجه (عنصر زماندار - شخص)			وجه (نهاد)	

در بررسی مثال‌های فوق مشخص می‌گردد که پیشوند «ب» لزوماً بر سر فعل مضارع التزامی ظاهر نمی‌شود و حتی می‌توان گفت موارد نبود این پیشوند بیش از حضور آن است؛ گاهی در مضارع التزامی فعل‌های پیشوندی بدون جزء پیشین «ب» می‌آیند:

(۲۸) خنرس بامی اینست که ما بدو اندریم (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۱)؛

گاهی با جزء پیشین «می-/همی-» (بدون تفاوت با وجه اخباری) و گاهی فعل فراکرد پایه مضارع اخباری و فعل فراکرد پیرو ماضی با پسوند «می» است. در متن مورد بررسی نمونه‌ای برای دو ساخت فوق دیده نشد.

گاهی مضارع التزامی از فعل بودن به صورت «بُوم» و «باشم» به جای ضمائر متصل متداول فعل بودن (بدون تفاوت با وجه اخباری) آمده است:

(۲۹) از روزگار آرزو کرد تا او را نیز یادگاری بُود اندرین جهان (معمری، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

(۳۰) گفت خواهی هزار مرد ببر خواهی رقبه را که کم‌رنج‌تر بُود (معمری، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

طبق آرای هلیدی، اگرچه مثال (۲۹) ساختاری التزامی دارد، لیکن به لحاظ مفهومی تمناپی است. در این جمله پیشنهاد با قطبیت مثبت و تجویزی است و وجهیت نیز از نوع تمایلی است. در مثال (۳۰) گزاره از نوع بیانی/تأییدی، اثباتی و با وجهیت قطعی است.

جدول ۲۲. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۲۹

تا	کرد	آرزو	از روزگار	-
	محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم	افزوده	نهاد (محدوف)
افزوده علی	مانده (افزوده - متمم - محمول)			
	وجه (عنصر زماندار - شخص)			وجه (نهاد)
اندراین جهان	بود	یادگاری		او را نیز
افزوده	محمول - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)	متمم		نهاد
	مانده (متمم - محمول - افزوده)			
	وجه (عنصر زماندار - شخص)			وجه (نهاد)

### ۴-۳-۳. وجه شرطی

ماضی شرطی در این دوره، از فعل‌های ماضی ساده به همراه پسوند «ی» (نشانه شرط) استفاده شده است. از منظر نقشگرایی، بندهای شرطی از نوع پیشنهاد و برحسب قطبیت، تجویزی - منعی بوده و حائز قطعیت نیستند. در متن مورد بررسی نمونه‌ای از این دست یافت نشد. وجه شرطی در زمان مضارع وقوع رویدادی را در حال نزدیک یا آینده مشروط به وقوع امری دیگر می‌کنند که بسته به رعایت و وقوع شرط، امکان تحقق یا عدم تحقق آن وجود دارد. در جملات مرکب شرطی معمول در این دوره افعال به صورت ماضی و مضارع ساده آمده و پسوند «ی» به عنوان نشانه شرط همراه با فعل اصلی می‌آید. از منظر نقشگرایی این جملات از نوع پیشنهاد (تجویزی/منعی) و غیرقطعی هستند و وجهیت در این بندها از نوع تمایلی است. در این متن برای مضارع شرطی نمونه‌ای یافت نشد.

### ۴-۳-۴. وجه تمنایی

در این وجه بیان فعل مترادف با بیان آرزو و تمنای رخدادی یا وجود حالت و صفتی است. در دوره نخست فارسی دری یکی از نشانه‌های وجه تمنایی در ساختار فعل ماضی و مضارع، یای مجهول است که به آخر صورت‌های ماضی و مضارع فعل افزوده می‌شده است و معمولاً در جمله‌هایی با آغازگر «کاشکی» به کار می‌رفته است. دیگر ساخت‌های این وجه عبارتند از: ماده مضارع همراه با شناسه و الف ممدود (آ=ā) و فعل با جزء پیشین «با». در متن مورد بررسی برای هیچ کدام از موارد فوق نمونه‌ای یافت نشد. فعل سوم شخص مضارع «باد» با یا بدون جزء پسین «ا» نیز وجه تمنایی را نشان می‌داده است:

(۳۱) درود بر برگزیدگان و پاکان و دین‌داران باد (معمری، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

این صورت بیانگر آرزو و تمنایی است که تحقق آن نامعلوم است، لیکن تمایل گوینده بر وقوع آن است. از منظر نقشگرایی، ذیل وجه تمنایی با نوعی از پیشنهاد/درخواست مواجه هستیم. در این جمله پیشنهاد از نوع تجویزی و وجهیت آن از نوع تمایلی/اشتیاقی است.



جدول ۲۳. تقطیع نقشی بازنمایی وجه در جمله شماره ۳۱

درود	بر برگزیدگان و پاکان و دین‌داران	باد
نهاد	متمم	محمول - عنصر تمنایی - عنصر زماندار - شخص (مطابقه)
	مانده (متمم + محمول)	
وجه (نهاد)		وجه (عنصر تمنایی - عنصر زماندار - شخص)

صورت منفی (وجه تحذیری): از افزودن پیشوند «م» بر سر فعل تمنایی ساخته می‌شده است. در متن مورد بررسی نمونه‌ای از این دست دیده نشد.

### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آرای ناتل خانلری (۱۳۵۳)، ذیل وجه اخباری در زمان - وجه‌های ماضی (تام، استمرار، پیایی، نقلی، بعید و ابعد) و همچنین مضارع و آینده، بازنمایی وجه از طریق ساختار فعل اصلی و منضمات آن - که بیانگر قطعیت در وقوع فعل و یا داشتن حالت هستند - صورت می‌پذیرد. این عناصر عبارتند از: الف. بن ماضی و مضارع؛ ب. جزء پیشین «همی/می» به‌نشانه استمرار، تکرار و عادت در برهه‌ای از زمان (گذشته، حال و آینده)؛ پ. پسوند «ی» در ماضی پیایی به‌نشانه تکرار عملی در گذشته؛ ت. صفت مفعولی برگرفته از ماده ماضی + شناسه‌های فعل بودن در زمان حال در ماضی نقلی؛ ث. صفت مفعولی + فعل معین «بودن» + شناسه‌های پنجگانه در ماضی بعید؛ ج. صفت مفعولی + ماضی نقلی «بودن» در ماضی ابعد؛ چ. مضارع فعل «خواستن» با صیغه مصدر تام، یا مصدر مرخم در ساخت آینده و ح. جزء پیشین «ب» به‌نشانه تأکید که بیانگر نمود تام و مبین قطعیت در وقوع فعل است.

ذیل وجه غیراخباری که در آن وقوع فعل یا داشتن حالت قطعی نیست، عناصر نمایانگر وجه در زمان - وجه‌های امری، التزامی، شرطی و تمنایی به شرح زیر هستند: الف. ساخت امری با یا بدون جزء پیشین «ب» (نشانه امر)؛ ب. ساخت التزامی با یا بدون جزء پیشین «ب» (نشانه التزام)؛ پ. ساخت شرطی با یا بدون جزء پیشین «ی» (نشانه شرط) و ت. وجه تمنایی با نشانه‌هایی نظیر «ی» مجهول و «آ» ممدود.

اگرچه ناتل خانلری وجوه التزامی و شرطی را ذیل وجه فعل برشمرده، لیکن به نظر می‌رسد این دو وجه صرفاً از طریق فعل جمله بازنمایی نمی‌گردند. علت آن است که در این وجوه گزاره‌ها از دو بند تشکیل شده‌اند و مفاهیم التزام و امر از کل گزاره - خصوصاً از طریق افزوده‌های ربطی و شرطی (نظیر «اگر») - استفاده می‌گردند و عناصر ساختاری لزوماً در گروه فعلی («ب» در التزامی و جزء پسین «سی» در شرطی) حضور ندارند.

به نظر می‌رسد در تعیین وجه فعل‌های پیشوندی، در تمام زمان - وجه‌ها، پیشوندهای فعلی به لحاظ دستوری نقشی ایفا نمی‌نمایند و در این فعل‌ها جزء فعلی اصلی به همراه منضمات توصیف شده در بالا تعیین کننده زمان - وجه است.

در خصوص جزء پیشین «ب» ذیل وجه اخباری باید گفت از آنجا که این عنصر مبین نمود تام است، از آن استفاده قطعی نیز می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد برخلاف نظر ناتل خانلری مبنی بر نامشخص بودن نقش آن، جزء پیشین موصوف برای بیان تأیید و تأکید بر وقوع حتمی فعل به کار رفته و در بازنمایی وجه اخباری مشارکت می‌نماید.

طبق نتایج حاصل از این پژوهش در قالب نقشگرایی، نهاد و عملگر زماندار دو عنصر پایه‌ای نشانگر وجه هستند که هر دو توسط گروه فعلی تعیین می‌شوند. علت آن است که نهاد گروهی مستقل در ساختار جمله است و خصوصاً اگر عامل نیز باشد، به عنوان مطابقت شخص در فعل اصلی نیز تجلی می‌یابد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد بازنمایی هسته اصلی وجه از طریق عناصر موجود در گروه فعلی صورت می‌پذیرد. ذیل وجه اخباری، بندها از نوع گزاره هستند و از میان دو زیربخش وجه (بیانی و پرسشی)، بیشتر از وجه بیانی/تأییدی بهره برده شده است. از منظر قطبیت نیز بندهای با قطبیت مثبت، یعنی گزاره‌های اثباتی، بیشتر از گزاره‌های انکاری کاربرد دارند. به لحاظ وجهیت نیز، از میان درجات دو گانه احتمال - تداول/عادت، وجهیت قطعی (زیرمجموعه احتمال) بیشترین کاربرد را دارد. به استثناء وجه پرسشی مبتنی بر پرسشواژه، در سایر بخش‌بندی‌های ذیل وجه اخباری وجه بر اساس عناصر موجود در گروه فعلی تعیین شده است. می‌توان گفت در زبان فارسی - وجه از نوعی که مدنظر هلیدی است - بیشتر از طریق گروه فعلی بازنمایی می‌شود و از این لحاظ با آرای ناتل خانلری همخوانی مشاهده می‌شود.

ذیل وجه غیراخباری، هلیدی تنها به وجه امری قائل است و بیان می‌دارد که در وجه امری به جای گزاره با نوعی از پیشنهاد مواجه هستیم. از آنجا که وی امر و درخواست را نیز نوعی پیشنهاد می‌داند، به نظر می‌رسد «وجه پیشنهادی» نام مناسب‌تری برای این وجه باشد. در بررسی وجه التزامی زبان فارسی این گونه به نظر می‌رسد که بر مبنای آرای هلیدی، این ساخت در زمان ماضی، وجهی اخباری دارد، زیرا بر اساس داده‌های تحلیل‌شده با گزاره مواجه هستیم و نه پیشنهاد. بر این اساس، می‌توان گفت که این ساخت به ظاهر التزامی در زبان فارسی ویژگی‌های وجهی مشابهی با وجه اخباری دارد.

در مضارع التزامی بندها بیشتر از نوع پیشنهاد و از نوع غیراخباری هستند و وجهیت آن‌ها نیز بیشتر تمایلی است. این در حالی است که ذیل این وجه - زمان گزاره با وجه اخباری نیز دیده می‌شود، خصوصاً در مواردی که فعل اصلی بند پیرو یکی از اشکال فعل «بودن» باشد. از منظر نقشگرایی، جملات شرطی بیش از آنکه گزاره باشند نوعی پیشنهادند و ذیل وجه پیشنهادی قرار می‌گیرند. وجهیت بندهای شرطی بیشتر تمایلی است.

جملات تمنایی از نوع درخواست و آرزو هستند و طبق آرای هلیدی این بندها پیشنهاد (تجویزی یا معنی) محسوب می‌شوند. وجهیت بندهای تمنایی نیز بیشتر از نوع تمایلی - اشتیاقی است.

به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی وجه از منظر هلیدی مبتنی بر قطعیت نیست و بر اساس نوع تبادل (اطلاعات یا کالا و خدمات) است، یعنی همان نقشی که بندها را به دو گروه گزاره و پیشنهاد تقسیم می‌کند. بنابراین، در وجه اخباری نیز (ذیل وجهیت احتمالی و امکانی) می‌توان با عدم قطعیت مواجه شد، هرچند مطابق نتایج حاصل از این تحقیق ذیل وجه اخباری، در بیشتر موارد گزاره‌ها حائز وجهیت قطعی هستند.

وجوهی که نائل خانلری ذیل وجه غیراخباری برشمرده از منظر هلیدی ذیل وجه امری (پیشنهادی) قرار می‌گیرند، لیکن به نظر می‌رسد زمان - وجه التزامی از این قاعده مستثنی می‌باشد، زیرا در ماضی التزامی و گاهی در مضارع التزامی نیز وجه از نوع اخباری است.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## ORCID

Pooneh Abedin



<http://orcid.org/0000-0001-8731-3656>

Mohammad Dabir-



<http://orcid.org/0000-0001-9028-7524>

Moghaddam

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۳). *ماده‌های فعلهای فارسی دری*. تهران: ققنوس.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۰). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.
- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۶۸). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات فاطمی.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۴۸). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۲۴). *تاریخ بیهقی*. به اهتمام غنی و فیاض. دانشگاه فردوسی مشهد.
- قریب، عبدالعظیم، بهار، ملک‌الشعرا، فروزانفر، بدیع‌الزمان، همایی، جلال و یاسمی، رشید. (۱۳۲۸). *دستور زبان فارسی*. تهران: علمی.
- قطره، فریبا. (۱۳۸۶). *مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز*. مجموعه مقالات ویژه‌نامه فرهنگستان (دستور)، جلد سوم. (۵۲-۸۱). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- گلفام، ارسلان. (۱۳۸۵). *اصول دستور زبان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- لازار، ژیلیر. (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی معاصر*. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه مهدی سمایی. تهران: نشر مرکز.
- مشکوف‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- معمری، ابومنصور. (۱۳۸۶). *دبیاچه شاهنامه ابومنصوری*. به اهتمام رحیم رضازاده ملک. *فصلنامه نامه انجمن*، ۲۵. ۱۲۲-۱۶۵.
- مفیدی، روح‌الله. (۱۳۹۵). *شکل‌گیری ساخت‌واژه نمود و وجه در فارسی نو*. ویژه‌نامه فرهنگستان (دستور)، ۱۲، ۶۸-۳.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۵۳). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر نو.
- همایونفر، مژگان. (۱۳۹۲). *وجه و تأثیر آن بر نظام فعل در زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

## References

- Aijmer, K. (2016). Modality and mood in functional linguistic approaches. *The Oxford Handbook of Modality and Mood*. Oxford: Oxford University Press.
- Atai Langroudi, A. (1992). *The Texas Advanced Modern Persian Prose Syllabus: Featuring an Application of Concept Learning Strategy for Teaching the Subjunctive Mood in Persian*. Texas: The University of Austin.
- Elwell- Sutton, L. P. (1965). *Colloquial Persian*. London: Routledge.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, M. I. M. (2014). *Halliday's Introduction to Functional Grammar*. London: Routledge.
- Jaspersen, O. (1924). *The Philosophy of Grammar*. London: Allen and Unwin.
- Lambton, A. K. S. (1967). *Persian Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mace, J. (2003). *Persian Grammar for Reference and Revision*. London: Routledge Curzon.
- Mahmoodi Bakhtiari, B. (2002). *Tense in Persian: Its Nature and Use*. Berlin: Lincom Europa.
- Palmer, F. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. (2001). *Mood and Modality* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Von Wright, E. H. (1951). *An Essay in Modal Logic*. Amsterdam: North Holland
- Windfuhr, Gernot L. (1979). *Persian Grammar, History and State of its Study*. Paris and New York: Mouton Publisher, The Hague.
- Abolghasemi, M. (1994). *Stems of Dari Persian Verbs*. Tehran: Qoqnoos. [In Persian]
- Abolghasemi, M. (2001). *Persian Language History*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Ahmadi Givi, H., & Anvari, H. (1989). *Persian Grammar*. Tehran: Fatemi press. [In Persian]
- Bateni, M. R. (1969). *Description of the Grammatical Structure of the Persian Language*. Tehran: AmirKabir press. [In Persian]
- Beyhaghi, A. (1945). *Beyhahi's History* (5th ed.). Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad press. [In Persian]
- Gharib, A., Bahar, M., Homai, J., Forouzanfar, B., & Yasemi, R. (1949). *Persian Grammar*. Tehran: Elmi. [In Persian]

- Ghatreh, F. (2007). Definitive features in today's Persian language. *Dastur (Farhangestan)*, 3, 52-81. [In Persian]
- Golfam, A. (2006). *Fundamentals of Grammatical Analysis*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Homayounfar, M. (2013). *Modality and its Realization in the Persian Verbal System* [Doctoral dissertation. Tehran]. Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Lazard, G. (2005). *Grammiare du Persan contemporain* (M. Bahreini, Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]
- Mahootian, S. (1999). *Persian Grammar from the Point of View of Typology* (M. Samaie, Trans.). Tehran: Nashre Markaz. [In Persian]
- Meshkotoddini, M. (1991). *An Introduction to Persian Transformational Syntax*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad press. [In Persian]
- Moameri, A. (2007). *The Introduction of Shahnameh of Abu Mansouri* (4th ed.). Name-Anjoman, 25, 122-165. [In Persian]
- Mofidi, R. (2017). The Formation of Morphology of Mood and Aspect in New Persian. *Dastur (Farhangestan)*, 12, 3-68.
- Natel Khanlari, A. (1974). *Persian Language History*. Tehran: Nashrenow. [In Persian]

---

استناد به این مقاله: عابدین، پونه، دبیرمقدم، محمد. (۱۴۰۱). بازنمایی وجه فعلی در مقدمه شاهنامه ابومنصوری: مقایسه رویکردی سنتی و نظریه نقشگرا در باب وجه. *علم زبان*، ۹(۱۵)، ۶۵-۹۴. Doi: 10.22054/lj.2020.49010.1295



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.